

The Political Basis for Imam Khomeini's (alya) Foreign Political Policy

Hossein Babaei¹, Ali Reza Golshani², Masoud Jafar Nejad³

1. *Ph.D. student of political science, Azad Islamic University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran. Hosseinbabaei1522@yahoo.com*

2. *Associate professor, Faculty of literature and human science, Azad Islamic University, Shareza branch, Shahreza, Iran. (Corresponding Author): Agolshani41@yahoo.com*

3. *Assistant professor, Faculty of literature and human science, Azad Islamic University, Shahreza branch, Shahreza, Iran. Pegah220ja@yahoo.com*

Received: 14 February 2019; **Revised:** 19 February 2019; **Accepted:** 1 March 2019

Abstract

The present research aims to investigate the basis for Imam Khomeini's foreign political policy. A descriptive-analytical research method is used. The results show that Imam Khomeini's epistemology, ontology, anthropology, and methodology presents a thought paradigm for his ruling in foreign policy. Moreover, his spiritual knowledge and approach are considered as a key to knowing his way in foreign policy. Additionally, Imam Khomeini's political policy is related to his great charismatic features as well.

Keywords: Foreign policy, Imam Khomeini (Ayla), Political ruling, Political Thought.

بنیان‌های خط‌مشی سیاسی امام خمینی (ره) در عرصه سیاست خارجی

حسین بابائی^۱، علیرضا گلشنی^۲، مسعود جعفری نژاد^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شهرضا، ایران.
Hosseinbabaei1522@yahoo.com
۲. دانشیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شهرضا، ایران. (نویسنده مسئول):
Agolshani41@yahoo.com
۳. استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شهرضا، ایران. Pegah220ja@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی بنیان‌ها و پایه‌های خط‌مشی سیاست خارجی امام خمینی است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و یافته‌ها نشان داد، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی امام خمینی به عنوان یک پارادایم فکری، پایه و بنیان خط‌مشی ایشان در سیاست خارجی است. همچنین، شناخت و رویکرد عرفانی ایشان به مثابه یک مبنای کلیدی به مشی او در سیاست خارجی جهت می‌دهد. علاوه بر این، خط‌مشی سیاسی امام خمینی از ویژگی‌های والای شخصیتی ایشان نیز تأثیر پذیرفته است.

واژگان کلیدی: امام خمینی، خط‌مشی سیاسی، سیاست خارجی، اندیشه سیاسی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «خط‌مشی سیاسی امام خمینی (ره) و چگونگی نهادینه‌سازی آن در عرصه سیاست خارجی» است.

مقدمه

خط‌مشی‌هایی که در عرصه سیاست خارجی به‌کار گرفته می‌شوند، به عنوان یک الگو و راهنما، اقدامات و فعالیت‌های لازم را راهبری می‌کنند. مطابق با این منطق، خط‌مشی‌های سیاست خارجی راهنمای عمل یک دولت در حوزه سیاست خارجی است. این نوع خط‌مشی‌ها خود به خود و در خلأ شکل نمی‌گیرند بلکه بنیان‌ها و ریشه‌هایی دارند که از آن‌ها نشأت گرفته‌اند. از این رو، تلاش برای فهم مبانی خط‌مشی سیاسی رهبران در عرصه سیاست خارجی همواره یکی از مسائل مورد بحث عالمان و محققان این حوزه بوده است؛ و از آنجا که حضرت امام خمینی (ره) یگانه رهبری بودند که توانستند پس از قرون متمادی و در دوران معاصر نخستین حکومت اسلامی را بنیانگذاری کنند؛ تلاش برای فهم بنیان‌های خط‌مشی سیاست خارجی ایشان اهمیت بیشتری می‌یابد. در این زمینه، این پرسش مطرح می‌شود که بنیان‌های خط‌مشی سیاسی امام خمینی (ره) در عرصه سیاست خارجی چیست؟ در پاسخ به این پرسش مدعای پژوهش حاضر این است که «خط‌مشی سیاست خارجی امام خمینی (ره) در پارادایم فکری، رویکرد عرفانی و ویژگی‌های والای شخصیتی ایشان ریشه دارد» برای پاسخ به پرسش یادشده و اثبات مدعای مطرح‌شده، روش توصیفی - تحلیل با رویکرد کیفی به‌کار گرفته شده است و با مراجعه به کتب، مقالات و ... به روش کتابخانه‌ای - اسنادی اطلاعات و داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شده و به پژوهش حاضر پرداخته شده است.

هدف پژوهش حاضر استخراج بنیان‌ها و پایه‌هایی است که خط‌مشی سیاسی امام خمینی (ره) در عرصه سیاست خارجی بر آن استقرار یافته است. با این حال، زنده‌بودن خط‌مشی سیاست خارجی ایشان و توجه روزافزون خط‌مشی‌گذاران به آن، نشان‌دهنده اهمیت و غنای مبانی آن است. از این رو، بحث درباره بنیان‌های خط‌مشی سیاست خارجی او از اهمیت والایی برخوردار است. به ویژه در شرایط کنونی که به ریشه‌ها و بنیان‌های خط‌مشی سیاسی وی کمتر توجه شده است و در واقع، جای اینگونه بحث که بسیار ضروری است، تقریباً خالی است. بدین دلیل، پرداختن به موضوع این مقاله اهمیت زیادی دارد که در ادامه، بعد از طرح مفاهیم، به بنیان‌های خط‌مشی سیاسی آن بزرگوار در عرصه سیاست خارجی پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

خط‌مشی سیاسی

در حالت کلی، می‌توان گفت خط‌مشی عبارت است از «چارچوب و قاعده کلی اجرای عملیات» (تسلیمی، ۱۳۷۸، ص ۵)، بر اساس «عقیده، نظر و بینش» تا راهنمایی برای مجریان امور باشد و همان‌طور که در فرهنگ فارسی معین نیز آمده است، خط‌مشی، «خط سیر و راهی است که انسان در پیش رو دارد» (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۷۴۳). و برای رسیدن به اهداف خود باید این مسیر را بیماید. یک‌سری خط‌مشی‌هایی که در عرصه حکومت‌داری به‌کار گرفته می‌شود، خط‌مشی سیاسی نام دارند، و عبارت‌اند از اصولی که به وسیله مراجع ذی‌صلاح در کشور وضع شده‌اند و به عنوان یک الگو و راهنما، اقدامات و فعالیت‌های لازم در جامعه را راهبری می‌کنند (الوانی، ۱۳۹۱، ص ۱۴).

سیاست خارجی

در تعریفی عام، سیاست خارجی عبارت از «مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب موضوعی است که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌نمایند» (محمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۸).

خط‌مشی‌های امام خمینی در عرصه سیاست خارجی

خط‌مشی‌های سیاست خارجی حضرت امام خمینی (ره)، در طول حیات پر برکت‌شان، به عنوان الگو و راهنما، اقدامات و فعالیت‌های لازم را راهبری می‌کرد، که اهم آنها عبارت‌اند از:

۱. نفی سلطه بیگانگان یا تأکید بر اصل نفی سبیل

حضرت امام خمینی (س) قاعده نفی سبیل را به عنوان یکی از برترین قواعد فقه سیاسی به شمار آورده و در موارد زیادی بدان تأکید ورزیده است به گونه‌ای که ایشان بر اساس مبانی فقهی اصولی خویش این قاعده فقهی را از ادله قرآنی استنباط می‌نماید و با هرگونه سلطه طلبی و مداخله بیگانگان در امور مسلمانان به شدت مخالفت می‌کند و با استناد به آیه‌ای از قرآن کریم می‌فرماید:

«قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیر مُسَلِّم بر مُسَلِّم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند: لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین؛ و این قدرتهای فاسده راه نباید داشته باشند بر مسلمین. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۱۷) بر همین اساس تأکید بر قاعده نفی سبیل و نفی سلطه بیگانگان خط‌مشی حضرت امام در سیاست خارجی می‌باشد که از ادله قرآنی استنباط می‌نماید.

۲. ظلم‌ستیزی

ظلم‌ستیزی متأثر از آیات مختلف قرآن مبنی بر نفی ظلم و ظلم‌پذیری است: از جمله آیه «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹)؛ به این معنا که نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید. از پیامبر اسلام نیز نقل شده است که می‌فرماید: «لِيَنْصُرَ الرَّجُلُ أَخَاهُ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا إِنْ كَانَ ظَالِمًا فَيَنْهَيْهِ فَإِنَّهُ لَهُ نُصْرَةٌ وَإِنْ كَانَ مَظْلُومًا فَيَنْصُرُهُ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۶۶۵)؛ به این معنا که انسان باید برادر دینی خویش را یاری کند، چه ظالم باشد، چه مظلوم اگر ظالم باشد، او را باز دارد که این به منزله یاری‌کردن اوست و اگر مظلوم باشد یاریش کند.

امام خمینی (ره) به عنوان رهرو حقیقی پیامبر و ائمه (ع)، این مهم را سر لوحه اهداف و سیاست‌های خود قرار می‌دهد (بابایی زارچ، ۱۳۸۳، ص ۲۱۹)، به طوری که ظلم‌ستیزی نیز خط‌مشی ایشان در سیاست خارجی است که از آیات و روایات استنباط می‌کند. این است که می‌فرماید: «دستور اسلام این است که نه ظلم بکنید، نه زیر بار ظلم بروید. .. هر دویش در اسلام ممنوع است. نه شما حق دارید به کسی ظلم کنید، نه حق دارید که از کسی ظلم بکشید (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، صص ۲۵۶-۲۵۵) ... ما روابط خاص اسلامی داریم ... ما هم می‌خواهیم این طور باشیم که نه ظلم کنیم، نه زیر بار ظلم برویم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۹۴).

۳. استکبارستیزی

استکبارستیزی نیز خط‌مشی آن بزرگوار در عرصه سیاست خارجی بود که آن را از ادله قرآنی استنباط می‌کردند، همان‌طور که وی همه را مکلف به مقابله با استکبار دانسته‌اند و می‌فرماید:

«تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۹۰) ... و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۵۷).

۴. حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش

قرآن کریم تلاش برای نجات مستضعفان را توصیه کرده است و تا سرحد جهاد فی سبیل الله درگیری نظامی با مستکبران را مورد تأکید قرار می‌دهد و مسلمانان را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» (نسا: ۷۵)؛ چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟!

بنابراین، بر اساس کلام الهی، باید به یاری مستضعفان و مظلومان جهان شتافت. از این رو، حضرت امام خمینی (ره) بر مبنای ادله قرآنی، حمایت مادی و معنوی از نهضت‌های آزادی‌بخش را در مناطق مختلف جهان وجه همت خود قرار داده بودند و وظیفه نظام اسلامی می‌دانستند که برای نجات ملل تحت ستم و مستضعف تلاش کند تا از این رهگذر بسیج انقلابی طرفداران عدم تعهد به دو بلوک شرق و غرب در سراسر گیتی تحقق یابد و هسته‌های مقاومت در همه جهان به وجود آید تا قدرت‌های استکباری به سرشکستگی سوق داده شوند (دهشیری، ۱۳۹۱، ص ۲۶۰) این است که می‌فرمایند: «ما باید از مستضعفان جهان پشتیبانی کنیم... زیرا اسلام ... پشتیبان تمام مستضعفان جهان است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۲۰۲) ... بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در همه جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۱۹۵).

۵. اتحاد مسلمانان و تشکیل امت واحده

قرآن کریم مسلمانان را به وحدت امر کرده است و بر روحیه برادری در جامعه و امت اسلامی تأکید می‌کند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله‌ی وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید.

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲)؛ این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف) و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید.

حضرت امام خمینی (ره) که بر مبنای ادله قرآنی یکی از منادیان بزرگ وحدت در جهان اسلام و تشکیل امت واحد بود تأکید می‌کند که اسلام آمده است تا همه ملل دنیا، اعم از عرب، عجم و ... را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند. از این رو، اتحاد مسلمانان و تشکیل امت واحد بر مبنای آیات الهی از خط‌مشی‌های ایشان در سیاست خارجی بود. همان‌طور که آن بزرگوار می‌فرماید: «امر این است که همه با هم اعتصام به «حبل الله» بکنید (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۱۳۱) ... اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، تُرک را، فارس را همه را با هم متحد کند. و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۴۴۳).

به طور کلی، خط‌مشی امام از آغاز حرکت اسلامی و سیاسی‌شان مبتنی بر اندیشه وحدت اسلامی و نگرش امت‌مدارانه به مسائل جهان اسلام بوده است. از کشورهای اسلامی و جهان اسلام، در کلام امام، به تعبیری مانند «یک انجمن الهی، یک انجمن اسلامی، دولت بزرگ اسلامی، فدراسیون دولت‌های اسلامی و مصالح مسلمین» یاد شده است. این تعبیر بیان‌کننده آن است که تشکیل امت اسلامی یا جامعه مطلوب اسلام، که در آن احکام خدا و سنت معصومین به اجرا درآید و قرآن کریم قانون اساسی آن باشد، از امهات تفکر ایشان محسوب می‌شود (بابایی زارچ، ۱۳۸۳، صص ۳۲۲-۳۲۰).

بنیان‌های خط‌مشی سیاسی امام خمینی (س) در عرصه سیاست خارجی

بنیان‌های خط‌مشی سیاسی امام خمینی (ره) در عرصه سیاست خارجی به شرح زیر بیان می‌شود.

الف) پارادایم فکری

پارادایم فکری الگوی فکری است که سبب ایجاد یک الگوی رفتاری در انسان می‌شود. از این لحاظ نحوه نگرش حضرت امام خمینی (ره) به شناخت هستی و نوع نگاه وی به جهان و انسان و روش‌شناسی آن بزرگوار پارادایم فکری او را تشکیل می‌دهد که سبب به‌وجودآمدن خط‌مشی

سیاسی ایشان در عرصه سیاست خارجی می‌شود و از بنیان‌های آن محسوب می‌شود. از این لحاظ بی‌گمان خط‌مشی او در سیاست خارجی، به‌شدت در معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی وی ریشه دارد.

۱. مبانی معرفت‌شناختی

در نگرش امام «حس انسان، عقل، قلب، فطرت و وحی به عنوان منابع شناخت» به شمار می‌روند (جمشیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱) که زیربنای خط‌مشی سیاسی او در سیاست خارجی می‌باشند. بنابراین، وقتی که ایشان وحی را به عنوان یکی از منابع شناخت قرار می‌دهد، بر اساس آیات الهی مؤلفه‌هایی نظیر «نفی سلطه بیگانگان»، «ظلم‌ستیزی»، «استکبارستیزی»، «حمایت از مستضعفان» دعوت به اسلام و ... را به عنوان خط‌مشی سیاسی خود در سیاست خارجی قرار می‌دهد. به طوری که می‌توان گفت نقطه آغاز بنیادهای خط‌مشی سیاسی ایشان در سیاست خارجی، مبانی معرفت‌شناسی و شناخت‌شناسی است.

این است که حضرت امام در پیام خود به آقای گورباچف، اول این مبانی را مورد اشاره قرار می‌دهد و بعد او را به اسلام دعوت می‌کند و خطاب به وی می‌نویسد:

«مادیون معیار شناخت در جهان‌بینی خویش را «حس» دانسته ... در حالی که معیار شناخت در جهان‌بینی الهی اعم از «حس و عقل» می‌باشد، و چیزی که معقول باشد داخل در قلمرو علم می‌باشد، گرچه محسوس نباشد. ... و همان‌طور که موجود مادی به «مجرد» استناد دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۲۲) ... جناب آقای گورباچف، اکنون بعد از ذکر این مسائل و مقدمات، از شما می‌خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید ... که می‌تواند وسیله راحتی و نجات همه ملت‌ها باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۲۵).

۲. مبانی هستی‌شناختی

امام خمینی (ره) معتقد است هستی فراتر از عالم مادی است و جهان هستی اعم از ماده و روح بوده و خالقی دارد که با هدف معینی آن را آفریده است (فوزی، ۱۳۸۸، ص ۷۳). او جهان را به

خالق و مخلوق تقسیم می‌کند و می‌گوید: خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه‌چیز است و مالک همه‌چیز (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۸۷). بر همین اساس، به‌اختصار می‌توان گفت که بنیان و اساس نگرش هستی‌شناسانه امام خمینی (ره) را خدامحوری تشکیل می‌دهد و توحید محور اصلی هستی‌شناسی امام خمینی (ره) و بنیاد جهان هستی است (جمشیدی، ۱۳۸۸، صص ۱۴۹ - ۱۴۶). زیرا اعتقاد به یگانگی خدا زیربنا و اساس همه ادیان آسمانی به‌خصوص اسلام است و تمام شئون آن اعم از عقائد، احکام و ... بر آن استوار است. بر همین اساس، توحید از مهم‌ترین مبنای سیاست خارجی دولت اسلامی است. این اصل محور اصلی دیپلماسی در اسلام را تشکیل می‌دهد. به‌طوری که پیامبر اسلام نیز دعوت خویش را از توحید شروع کرد و این اصل مبنای اولیه دعوت پیامبر بود (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۴۸).

بر مبنای توحید محوری است که حضرت امام خمینی (ره)، در سیاست خارجی، تکیه بر خدای متعال را جایگزین اتکا به اسرائیل و آمریکا کرده است و در دیدار با یاسر عرفات چنین می‌فرماید:

«شاه هم تکیه کرده بود بر آمریکا و انگلیس و چین و اسرائیل و همه اینها. لکن تکیه‌گاه‌ها سست است. آن تکیه گاهی غیر سست و سنگین و مستحکم است که خدا باشد. خدا تکیه گاه است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۱۸۰).

مهم‌ترین پیامی که رهبر کبیر انقلاب به گوش جهانیان رسانید، چیزی جز خدامحوری نبود. این آوای جان‌بخش بر دل‌های آزاد اندیشان و مجاهدانی که درد آشنای غربت اسلام بودند، طنین افکند و مشی توحیدمحوری ایشان مانند آهن‌ربایی جذاب، افکار و اندیشه‌ها را به خود معطوف کرد و فراگیر شد.

در مشی توحیدمحوری حضرت امام خمینی (ره)، تنها معبود انسان خداست و توحید و پرستش خدای واحد بر همه شئون جامعه و روابط داخلی و خارجی جامعه سایه می‌افکند و مبنای سیاست خارجی قرار می‌گیرد. خط‌مشی توحیدمحوری حضرت امام جنبه فراگیرتری نسبت به سایر خط‌مشی‌ها دارد و حاوی پیش‌فرض‌ها، معیارها و رهنمودهایی کلی برای همه خط‌مشی‌های

عمومی سیاست خارجی است. و حد و مرز و حیطة خطمشی‌های عمومی سیاست خارجی را تعیین می‌کند و بنیاد و پایه‌ای برای دیگر خطمشی‌ها است و دیگر خطمشی‌ها را تحت سیطره خود قرار می‌دهد و در همه خطمشی‌های عمومی سیاست خارجی حضور دارد. هنگامی که در نوفل لوشاتو، در تاریخ ۵۷/۱۰/۱۸ خبرنگار تایمز لندن از عقاید و اندیشه‌های امام می‌پرسد، آن بزرگوار خطمشی توحیدمحوری خود را اظهار می‌دارد و در بیانات خود ریشه و اصل همه عقاید را توحید دانسته و بر اساس آن انسان‌ها را به قیام در مقابل زنجیرهای اسارت دعوت کرده و بیان می‌کند مبارزه ما علیه قدرت‌های استبدادی و استعماری در توحید ریشه دارد و طبق آن همه انسان‌ها در جهان آزاد و برابرند.

«اعتقادات من و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان بحق بعد از آن حضرت بیان فرموده‌اند که ریشه و اصل همه آن عقاید - که مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ماست - اصل توحید است ... این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند ... و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید. ... انحطاط و سقوط بشر به علت تسلیم در برابر سایر انسان‌هاست و بنا بر این بنا، انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگران که به اسارت دعوت می‌کنند قیام کند و خود و جامعه خود را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند. و از این جهت است که مبارزات اجتماعی ما علیه قدرت‌های استبدادی و استعماری آغاز می‌شود و نیز از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می‌گیریم که همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسانند. او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسان‌ها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، صص ۳۸۸-۳۸۷).

حضرت امام در این گفت‌وگو پس از آنکه اساس و مبنای همه اندیشه‌های خود را مانند دیگر

مسلمانان بر محور توحید استوار می‌کند؛ آن را مانند ریشه درخت، پایه و ستون قائمه معارف خویش می‌خواند (جعفرپیشه فرد، ۱۳۹۰، ص ۱۵).

بنابراین، بر مبنای اصل توحیدمحوری و سلوک در مسیر خدایی شدن است که مقوله‌های بسیار مهم و اساسی سیاست خارجی مثل «نفی سلطه بیگانگان»، «ظلم‌ستیزی»، «استکبارستیزی»، «حمایت از مستضعفان»، «حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش»، «روابط بر اساس مبانی اسلامی - انسانی»، «عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل»، «همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی»، «التزام و پایبندی به پیمان‌های سیاسی»، «دعوت به اسلام»، «صدور انقلاب»، «اتحاد مسلمانان»، «نه شرقی و نه غربی» و «تشکیل امت واحده»، و ... در اندیشه ایشان شکل می‌گیرد و بر اساس مبانی هستی‌شناسی معنا می‌یابد و تبیین می‌گردد. زیرا که توحید و خدایی‌شدن محور نظام معرفتی و محور نظام ارزشی اندیشه اسلامی است که هر قدر در جان آدمی متکامل شود و ریشه گیرد، در ایمان و رفتار آدمی خود را جلوه‌گر کرده و بروز می‌کند (جعفرپیشه فرد، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

بنابراین، طبق آنچه گفته شد، مبنای اصلی فکری و جهت‌گیری حضرت امام را در سیاست خارجی توحید تشکیل می‌دهد، و آن را جوهره اصل انقلاب دینی خود می‌داند و معتقد است با توحید، نه تنها درون انسان‌ها اصلاح می‌شود، بلکه جامعه نیز به صلاح و فلاح می‌رسد، و بر اساس آن علاوه بر مقوله عزت‌طلبی، امور مهم دیگری مانند جهانی آزاد و آباد و عاری از هر فساد و ظلم و تبعیض نژادی، میسر می‌شود (جعفرپیشه فرد، ۱۳۹۰، صص ۱۹-۱۸). بر همین اساس، «در زمان حیات ایشان همه خط‌مشی‌های عمومی سیاست خارجی با الهام از مشی توحیدمحوری ایشان تنظیم می‌شد».

۳. مبنای انسان‌شناختی

انسان‌شناسی امام در واقع، بخشی از هستی‌شناسی اوست، چه او انسان را در کلیت هستی و به عنوان بخش اساسی آن بررسی می‌کند. بدین معنا که نگاه وی به ماهیت انسان، ابعاد وجودی و دامنه حیات و زندگانی او به جایگاه کلی او در هستی ارتباط می‌یابد. زیرا در این نگاه انسان به عنوان آفریده خداوند متعال در نظر گرفته می‌شود که به دلیل برخورداری از قوه ناطقه و عقل توان

اندیشیدن و با توجه به برخورداری از آزادی توان اخذ تصمیم، انتخاب راه (جمشیدی، ۱۳۸۸، صص ۱۶۲-۱۶۱)، و خط‌مشی‌گذاری دارد.

از منظر امام خمینی (ره) «در انسان یک قوه عاقله و قوه بالاتر هست ... انسان مثل حیوانات نیست که یک حد حیوانی داشته باشد و تمام بشود. انسان یک حد مافوق حیوانی و یک مراتب مافوق حیوانی [دارد] (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۸۶). بنابراین، در دیدگاه امام خمینی (ره) انسان دو بعد حیوانی و روحانی دارد، و موجودی است که دو سر طیف «شدن» را دارد و در مسیر شدن محدودیت ندارد. بر این اساس، در رویکرد امام خمینی (ره) ماهیت انسان دوگانه است. همان‌طور که می‌فرماید: «انسان یک موجودی است در ابتدا مثل سایر حیوانات است. اگر رشد بکند، یک موجود روحانی می‌شود که بالاتر از ملائکه الله می‌شود. و اگر طرف فساد برود، یک موجودی است که از همه حیوانات پست‌تر است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۴۴۶).

فردی که انسان را دارای ابعاد می‌داند و نگاهی جامع دارد، خط‌مشی‌های جامع اخذ می‌کند. مطابق با این منطقی، خط‌مشی سیاسی حضرت امام در سیاست خارجی از یک طرف بر مبنای بعد روحانی انسان است و از طرفی دیگر، بر مبنای بعد مادی. از یک سو، ایشان می‌فرمایند: «میزان در روابط سیاسی مکان نیست، ... میزان جهات معنویت است. دو ملت اگر در معنویات نزدیک به هم باشند ... اینها نزدیکند به هم، هرچند که در مکان دور باشند. و اگر در معنویات از هم دور باشند، و لو اینکه همسایه باشند، اینها دورند از هم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۲۴۷). بر همین اساس، در دیدگاه ایشان خط‌مشی‌ها در روابط خارجی بر محور معنویت و بعد روحانی انسان تعیین می‌شود، و از سوی دیگر، می‌فرماید: «ما نه چاه‌های نفت را می‌بندیم و نه درهای مملکت را به روی خود می‌بندیم ... ما چیزی را که نداریم و به آن نیاز داریم، از خارج می‌خریم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۶۴). بر این اساس، در منظر ایشان خط‌مشی‌ها در روابط خارجی بر مبنای بعد مادی انسان نیز تعیین می‌شود. بنابراین، بر اساس فرمایشات یادشده، ملاحظه می‌شود که خط‌مشی ایشان در سیاست خارجی از انسان‌شناسی او هم نشأت می‌گیرد.

۴. مبنای روش‌شناختی

با توجه به مبانی معرفت‌شناسی حضرت امام، روش‌شناسی ایشان در رسیدن به حقایق و واقعیت‌ها مبتنی بر نوع هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی ایشان است. ایشان برای دستیابی به حقایق از ابزارهای مناسب با مراتب هستی شامل تجربه، خلاقیت، شهود، الهام و استفاده از وحی الهی بهره برده‌اند (اسکندری، ۱۳۸۶، ص ۴۲). در مجموع با توجه به شأن تکلیفی مباحث خط‌مشی سیاسی حضرت امام در سیاست خارجی، می‌توان گفت که روش حضرت امام در آن حوزه بیشتر روش فقاهتی بوده است و از ابزار اصول فقه برای رسیدن به حکم فقهی بسیار بهره برده‌اند. بنابراین، یکی از عوامل مهم اثرگذار بر خط‌مشی سیاست خارجی امام، مبنای فقهی اصولی ایشان است. تا آنجا که بدون این مبنا نمی‌توان خط‌مشی سیاسی او را در حوزه سیاست خارجی دریافت. بر این اساس ایشان مانند دیگر فقهای اصولی خطوط سیاست خارجی را از کتاب الهی، سنت و دیدگاه عقل‌گرایانه اصولیون^۱ به دست آورده‌اند. به طوری که در خط‌مشی‌های سیاست خارجی حضرت امام، آیات و روایات در پرتو استدلال‌های کلی عقل، به صورت خاصی فهمیده شده‌اند و در آن‌ها نشانه اثرپذیری از منابع نقلی و بهره‌گیری از عقلانیت به وضوح دیده می‌شود.

ب) رویکرد عرفانی

عرفان در در اصطلاح، روش و طریقه‌ای ویژه است؛ که برای دستیابی و شناسایی حقایق هستی و پیوند و ارتباط انسان با حقیقت، بر شهود، اشراق، وصول و اتحاد با حقیقت تکیه دارد؛ و نیل به این مرتبت (شهود حقیقت و اتحاد با آن) را نه از طریق برهان و فکر، بلکه از راه تهذیب نفس، قطع علایق از دنیا، توجه تام به امور روحانی و معنوی، و در رأس همه توجه تام به مبدأ و حقیقت هستی، می‌داند (ضرابی، ۱۳۹۰، ص ۳).

عرفان، سلوک انسان در مسیر خدایی‌شدن است. سلوکی که در آن سالک با تفکر و تدبیر در

۱. بر اساس دیدگاه اصولیون عقل در عالم تشریح و احکام الهی و دینی از خود مطلبی برای ارائه ندارد، بلکه فقط می‌تواند منبعی برای ادراک احکام الهی باشد (جوادی عاملی، ۱۳۸۷، ص ۴۰).

حقیقت عالم هستی و تزکیه و تقوادماری و زهدورزی، مراتب بالای ایمان و یقین را به دست می‌آورد (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۶). این قرائت از عرفان دین و سیاست را بر اساس قرب الهی و تهذیب و تزکیه نفس، باهم پیوند می‌دهد. بدین‌سان پیوند عرفان و سیاست خارجی در اندیشه امام خمینی (ره) حول محور خدایی‌شدن می‌شود. بنابراین، بر مبنای رویکرد عرفانی در عرصه سیاست خارجی است که آن بزرگوار همه اختلافات بشر و منازعات در روابط کشورها را ناشی از طغیانی که در نفس خودخواه انسان ریشه دارد می‌داند، و بیان می‌کند:

«تمام اختلافاتی که بین بشر هست، اختلافاتی که بین سلاطین هست، اختلافاتی که بین قدرتمندان هست، ریشه‌اش همان طغیانی است که در نفس هست. ... منشأ اختلافات همه اختلافاتی که در بشر هست برای این است که تزکیه نشده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۳۹۰)... اختلافاتی که سر دنیا بین همه بشر هست، این اختلافات ریشه‌اش این طغیانی است که در نفس هست (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۳۹۱) ... اگر انسان تزکیه بشود و نفس انسان تربیت بشود، این اختلافات برداشته می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۳۹۱) ... طغیان موجب به فساد کشیدن یک مملکت، دو مملکت، بلکه منطقه ممکن است بشود و اگر این طغیان در رئیس‌های جمهور بزرگ دنیا باشد، اگر رئیس جمهور آمریکا طغیان بکند، طغیان او یک کشورهای بسیار را به فساد می‌کشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۳۹۲).

در رویکرد عرفانی وی نفی عبودیت غیرخدا و آزادی ملت‌ها از بت‌ها و اغلال بیرونی نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند و این راهبرد اساسی اندیشه سیاست خارجی امام است. از این رو، در عرصه سیاست خارجی صفت شیطان بزرگ به آمریکا می‌دهد و آن را بانی و باعث گمراهی خلق خدا می‌داند. و همه را به ایستادن در برابر آن فرا می‌خواند. بنابراین، با اشاره به عملکرد آمریکا می‌فرماید: «باید ما همه با آرامش خاطر روبه‌روی این دیو بزرگ بایستیم، و این شیطان بزرگ، منحرف می‌کنند ملت ما را از آن راهی که دارد می‌رود. راه ضلالت پیششان می‌گذارند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۲۱۱).

در رویکرد عرفانی حضرت امام، علاوه بر عشق و عبادات، بحث عرفان شهودی نیز مطرح است. پیش‌بینی‌های شهودی ایشان است که از درایت و بصیرت باطنی ایشان حکایت دارد؛ و نقطه قوت رهبری ایشان در شرایط کاملاً ابهام‌آمیز است و محصول شناخت شهودی و عرفانی ایشان است. در شرایطی که عدم اطمینان محیطی، سایر افراد را به انفعال وامی‌دارد، ایشان با بصیرتی الهی، آینده را پیش‌بینی و تصمیم‌های قاطع و دقیق ارائه می‌دهند که در نظریه‌های کلاسیک خط‌مشی‌گذاری مطابق با نظریه خط‌مشی‌گذاری فراعقلایی است. در این راستا، می‌توان به پیش‌بینی و اعلام از بین رفتن کاخ سرخ و سفید و شکستن کمونیسم در جهان اشاره کرد (اسکندری، ۱۳۸۶، صص ۳۳۹-۳۳۸)، که به دنبال آن گورباچف را به اسلام دعوت می‌کند. بدین ترتیب، رویکرد عرفانی امام خمینی (ره) به مثابه یک مبنای کلیدی، کنش و رفتار سیاسی را در سیاست خارجی جهت می‌دهد.

ج) ویژگی‌های والای شخصیتی

هوشمندی، خلوص، تقوی و تدبیر حضرت امام به همراه ویژگی‌هایی مانند شهامت، سرعت و دقت، قدرت، قاطعیت، عدم اضطراب و نداشتن ترس از مواجهه با خطرات، همراه با اراده قوی موجب شده است که خط‌مشی سیاست خارجی ایشان بی‌بدیل و تاریخی باشد (اسکندری، ۱۳۸۶، ص ۳۷۴). بر این اساس، خط‌مشی سیاسی ایشان در عرصه سیاست خارجی از ویژگی‌های والای شخصیتی ایشان نیز تأثیر گرفته است. قبول قطعنامه ۵۹۸، صدور حکم اعدام سلمان رشدی و شعار آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی، صدور انقلاب، دعوت به اسلام، زیر ذره‌بین بردن حرکات ابرقدرت‌ها به‌خصوص آمریکا و تحلیل انتقادی از رفتار آنان در شرایط آن زمان از مصادیقی هستند که نشان‌دهنده از شهامت، قاطعیت، نداشتن ترس از مواجهه با خطرات و دیگر ویژگی‌های والای شخصیتی آن ابرمرد تاریخ است. بنا بر آنچه گفته شد، خط‌مشی حضرت امام از ویژگی‌های والای شخصیتی ایشان نیز تأثیر پذیرفته است.

نتیجه‌گیری

به منظور استخراج بنیان‌ها و پایه‌هایی که خط‌مشی سیاست خارجی حضرت امام خمینی (ره) بر

آن استقرار یافته است؛ در مقاله حاضر به بنیان‌ها و مبانی خط‌مشی سیاسی ایشان در عرصه سیاست خارجی پرداخت و به این نتیجه دست یافت که نحوه نگرش حضرت امام به شناخت هستی و نوع نگاه وی به جهان و انسان و روش‌شناسی آن بزرگوار، پارادایم فکری او را تشکیل می‌دهد که زیربنای خط‌مشی سیاسی وی در سیاست خارجی می‌باشند و سبب به‌وجود آمدن خط‌مشی سیاسی ایشان در عرصه سیاست خارجی می‌شود. از این لحاظ معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی او مانند ریشه درخت، پایه و ستون قائمه خط‌مشی وی در سیاست خارجی است. علاوه بر این، رویکرد عرفانی امام خمینی (ره) به مثابه یک مبانی کلیدی، کنش و رفتار سیاسی را در سیاست خارجی جهت می‌دهد. از این لحاظ، خط‌مشی سیاسی ایشان در سیاست خارجی محصول شناخت شهودی و رویکرد عرفانی وی نیز است. به‌طوری که آن بزرگوار با بصیرتی الهی، آینده را پیش‌بینی و تصمیم‌های قاطع و دقیق ارائه می‌دادند که در نظریه‌های کلاسیک خط‌مشی‌گذاری مطابق با نظریه خط‌مشی‌گذاری فراعقلایی است. دیگر اینکه خط‌مشی حضرت امام از ویژگی‌های والای شخصیتی ایشان نیز تأثیر پذیرفته است. به‌طوری که ویژگی‌های شخصیتی او موجب شده است خط‌مشی سیاست خارجی ایشان بی‌بدیل و تاریخی باشد. بنابراین، پارادایم فکری، رویکرد عرفانی و ویژگی‌های والای شخصیتی حضرت امام از بنیان‌های خط‌مشی سیاسی ایشان در عرصه سیاست خارجی است.

منابع

۱. اسکندری، مجتبی (۱۳۸۶). *تبیین الگوی تصمیم‌گیری و سیاستگذاری امام خمینی*. چاپ اول، تهران: چاپ و نشر عروج.
۲. الوانی، سید مهدی (۱۳۹۱). *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*. چاپ هفدهم، تهران: انتشارات سمت.
۳. بابایی زارچ، علی محمد (۱۳۸۳). *امت و ملت در اندیشه امام خمینی*. چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *ترجمه نهج‌الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش*.
۵. تسلیمی، محمد سعید (۱۳۷۸). *تحلیل فرایندی خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری*. چاپ اول، تهران: سمت.
۶. جعفرپیشه فرد، مصطفی (۱۳۹۰). *اندیشه‌های سیاسی پدر انقلاب اسلامی*. چاپ اول، اصفهان: انتشارات حیات طيبة.
۷. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۴). *اندیشه سیاسی امام خمینی (س)*. چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*. چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.
۹. حسینی، مریم‌السادات (۱۳۹۲). *اندیشه سیاسی امام خمینی*. چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۱. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۱). *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)*. چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۲. ضرابی، احمد (۱۳۹۰). *معرفت شهودی از دیدگاه امام خمینی*. چاپ اول، تهران: چاپ و نشر عروج.
۱۳. فوزی، یحیی (۱۳۸۸). *اندیشه سیاسی امام خمینی*. قم: دفتر نشر معارف.
۱۴. محمدی، منوچهر (۱۳۷۷). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مسائل*. تهران: دادگستر.
۱۵. معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. گردآوری عزیزاله علیزاده، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ادنا.
۱۶. موسوی، سید محمد (۱۳۸۲). *دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام*. تهران: انتشارات باز.